

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۳۳، پیاپی ۱۲۳، بهار ۱۳۹۶

بررسی عملکرد متکلمان شیعه امامی در مواجهه با چالش‌های تقریب مذاهب در عصر سلجوقی^۱

پروین اصغری^۲
محمدعلی چلونگر^۳
علی اکبر عباسی^۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۱۳

چکیده

قدرت یابی سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۲ ق) در ایران و عراق و ائتلاف نیروهای سیاسی مذهبی اهل سنت (سلطنت و خلافت)، موجب رشد نفوذ حدیث‌گرایان سنی مذهب شد. همچنین در اثر عملکرد واگرایانه برخی مراکز علمی عصر و تقابل رویکرد عقل‌گرایی شیعی و سنت‌گرایی اهل تسنن و... همگرایی شیعه و سنی با چالش‌هایی مواجه گردید. در این اوضاع متکلمان اهل تسنن در عرصه تقریب شیعه و سنی موضع انفعالی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2017.14536.1315

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان؛ parvinasghari92@gmail.com

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان؛ m.chelongar@ltr.ui.ac.ir

۴. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان؛ aa_abbasi_z@ltr.ac.ir

داشتند ولی متکلمان شیعه در این عرصه فعال‌تر شدند، زیرا منازعات فرقه‌ای، ائتلاف نیروهای سیاسی مذهبی اهل سنت، عملکرد واگرایانه‌ی مراکز آموزشی نظیر نظامیه‌ها و... سبب گرایش کمتر اهل تسنن به تقریب شده بود. در مقابل، متکلمان شیعه با علم به وضعیت شیعیان در بغداد و ری به دلیل مجاورت با مراکز سیاسی مذهبی اهل تسنن، تضعیف پشتوانه سیاسی و کسب تجربه از حوادث تلخ منازعات فرقه‌ای دریافتند که حفظ میراث شیعه با تقریب میسر است. البته در درون جوامع شیعی، تقابل مکتب متکلمان و محدثان، تندروی‌های اسماعیلیه و جریان غلو، نیز بحث تقریب را به چالش می‌کشید. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، راهکارهای متکلمان شیعه امامی را در جهت تقریب، از طریق طرح مشترکات دینی، فقه مقارن، برگزاری کرسی درس مشترک، مناظره، پاسخگویی به شبهات و اتهامات علیه شیعه و آشکار ساختن تفاوت شیعه امامی با سایر انشعابات تشیع و... بررسی و تحلیل نماید.

واژه‌های کلیدی: تقریب مذاهب، متکلمان، شیعه امامی، اهل سنت، سلجوقیان.

مقدمه

چالش‌های مذهبی از موضوعاتی است که تأثیر زیادی بر جامعه مسلمانان داشته است، چنان که می‌توان ریشه‌های رکود تمدن اسلامی را در تحولات فرهنگی حاصل از این چالش‌ها جستجو کرد. این در حالی است که مسلمانان در بسیاری از مسائل دینی و اعتقادی دارای آراء و نظرات مشترک‌اند که توجه و تأکید بر آن‌ها در حوزه‌های مشترک دینی و اعتقادی، اختلاف و تعصب را از بین می‌برد و زمینه وحدت پیروان مذاهب و پیشرفت تمدن اسلامی را فراهم می‌سازد. در سده اخیر، مسئله تقریب مذاهب به یکی از محورهای گفتگو بین مصلحان، متفکران و نیز متعصبان مذاهب اسلامی تبدیل شده است. تقریب از ریشه «قرب» از نظر لغوی به معنای نزدیک کردن است (ابن منظور، بی تا، باب القاف) و

تقریب مذاهب در اصطلاح به معنای زدودن و رفع اختلافات مذهبی و ایجاد همکاری بین رهبران و پیروان مذاهب اسلامی براساس اصلِ مسلمانی و پیروی از قرآن و سنت است. این اصطلاح از ابداعات دوره جدید است و اغلب در پژوهش‌های تاریخی از آن به‌عنوان مفهومی مدرن برای بررسی گذشته تاریخی استفاده می‌شود (شفایی، ۱۳۹۰، ش ۲۹: ۹۰).

یکی از ویژگی‌های تشیع امامی در قرن ششم و هفتم، گرایش به اعتدال در شاخه شیعه اصولیه می‌باشد. زیرا با ظهور حکومت سلجوقی در عرصه جهان اسلام و در پی حمایت فرمانروایان دوره اول سلجوقی، یعنی طغرل، آلب ارسلان و ملک‌شاه از مذهب تسنن، اوضاع سختی برای شیعیان رقم خورد، چنان‌که امکان تحرکات کنشگرانه و نیز تکاپوی علمی، عقیدتی، سیاسی و نظامی از آنان گرفته شد. از این رو شیعیان امامیه برای درمان ماندن از خطرهای احتمالی، در مواجهه با جامعه اهل تسنن، جوانب احتیاط را رعایت کردند و برای اجتناب از درگیری با سنیانی که اکثریت را داشتند، اندیشه‌های شیعه را به شکل معتدل ارائه کردند. اثر مهم «النقض» تألیف عبدالجلیل قزوینی رازی در قرن ششم هجری، که نمونه بارز این گرایش اعتدالی است، بیانگر پیدایش اصطلاح «شیعه اصولیه» از عصر سلجوقی می‌باشد. شاید بتوان گفت این تشیع اعتدالی توسط شاگردان بی‌واسطه و باواسطه شیخ طوسی در ایران و عراق بنیانگذاری شده است (جعفریان، ۱۳۸۸: ۶۰۶). این گرایش در راستای تقریب و همگرایی شیعه و سنی برای حفظ مکتب تشیع بسیار ارزشمند بوده است.

تقریب مذاهب اغلب در دو قالب طرح‌های سیاسی و علمی مورد بحث قرار می‌گیرد. توجه به اصول مشترک مذاهب، به‌ویژه مشترکات کلامی و اعتقادی همواره مورد توجه مجامع علمی و حوزه‌های فرهنگی بوده است. در عصر آل بویه و سپس عهد سلجوقی، علم کلام از بالاترین اهمیت برخوردار بود و متکلمان پیشوایی شیعه امامیه را برعهده داشتند و این دانش بر فقه و علوم دیگر چیره بود و جهت آن‌ها را معین می‌کرد. در عصر سلجوقی رسالت متکلمان شیعی در صیانت، اثبات و دفاع از عقاید شیعه امامیه اهمیت بیشتری یافت زیرا پس از یکصد و سیزده سال حاکمیت خاندان شیعه مذهب آل بویه، حاکمیت سیاسی به دست خاندانی افتاد که با گرایش دینی شیعیان ناسازگار بود و توان نظامی خود را مصروف

حمایت از نهادهای سیاسی مذهبی اهل سنت می‌کرد. شیعیان امامیه برای درامان ماندن از خطرهای احتمالی، به ویژه در اوایل عصر سلجوقی، در مواجهه با جامعه اهل تسنن محتاط بوده و با تمرکز بر فعالیت‌های فرهنگی اعتقادی و همکاری با نهادهای سیاسی اهل سنت برای برقراری تقریب و صیانت از مکتب تشیع می‌کوشیدند.

بحث درباره تقریب مذاهب از دغدغه‌های همیشگی متفکران اسلامی بوده و در این راستا مقالات و کتب متعددی نگاشته شده است. به عنوان نمونه در مقالاتی نظیر «ابن شهر آشوب؛ عالم تقریبی قرن ششم» نوشته امان‌الله شفاپی یا «گذری بر زمینه‌های تقریب در اندیشه شیخ طوسی» نوشته علی اصغر احمدی، رویکرد تقریبی متکلمان شیعی به صورت موردی بررسی شده است. با وجود این، به راهکارهای متکلمان شیعه امامیه در مواجهه با چالش‌های موجود در بستر شرایط سیاسی، فکری - مذهبی جامعه عصر سلجوقی پرداخته نشده است. این پژوهش با نگاهی متفاوت از تحقیقات قبل، به نقش متکلمان شیعی در مرتفع ساختن چالش‌ها و تلاش برای برقراری تقریب مذاهب شیعه و سنی پرداخته است.

۱. نحوه مواجهه متکلمان شیعی با چالش‌های اهل سنت

به گزارش منابع در قرن پنجم هجری، قلمرو اسلام آکنده از تعدد و تشتت مذاهب و فرق بود (مقدسی، ۱۳۶۲: ۲۳۶-۲۳۸ و ۲۶۶-۲۶۷). این فضا عرصه را برای بروز اندیشه‌های نوین و مباحث علمی و منطقی تنگ می‌نمود، لذا عقلا و حتی صاحبان قدرت از استمرار این روند ناخشنود بوده و براساس شواهدی تاریخی، به تدریج به ایجاد نوعی همگرایی تمایل یافتند. در این عصر متکلمان شیعی برای تقریب مذاهب، گام‌های بلند و توأم با حزم و احتیاط برداشتند و البته با چالش‌هایی نیز مواجه شدند. اهم تلاش‌های متکلمان شیعی را در مواجهه با این چالش‌ها به صورت زیر می‌توان دسته‌بندی کرد.

الف: اجتناب از منازعات فرقه‌ای و بیان مشترکات

در عصر استیلای سلاجقه، امامیه، اشاعره، معتزله، کرامیه و ماتریدیه پنج مکتب مهم کلامی فعال شناخته می‌شدند. همچنین روابط خشونت‌آمیز دیرینه، میان اهل سنت و شیعیان حاکم

بود و در میان سنیان نیز اجماعی وجود نداشت. اهل سنت برای مقابله با معتزله و رشد جریانات شیعی، به تعالیم اشعری و ماتریدی روی آوردند و این اقدام اختلافات جدیدی را در میان اهل سنت موجب شد. منازعات اشاعره و حنابله بغداد نمونه‌ای از این اختلافات است که متأثر از گرایش‌های کلامی نظیر گرایش حنابله به «تجسیم» و گرایش اشاعره به «تصوف» و «اعتزال» بود (ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۱۶/۲۹۵). رقابت دو نهاد قدرت یعنی حمایت سلاطین سلجوقی از اشاعره و عنایت خلافت به حنابله، منازعات را تشدید می‌کرد (ابی‌یعلی، ۱۳۵۰: ۱۱۸؛ بغدادی، ۱۴۰۷: ۱۳/۳۸۴-۳۸۵).

در اوایل دوره سلجوقی با توجه به تعاملات مسالمت‌آمیز سلطان و خلیفه، مسائل سیاسی در بروز درگیری‌های نقشی نداشت (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۲/۲۴۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۱۵/۳۴۷؛ ابن عماد، ۱۳۵۰: ۴/۲۲). ولی در اواسط دوره سلجوقی با افزایش قدرت سلاطین و واگرایی خلیفه و سلطان، نظام‌الملک با حمایت از اشعری‌ها و تأسیس مدارس نظامیه (حسینی، ۱۳۸۰: ۶۸) و خلیفه با حمایت از حنابله (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۲/۱۲۲)، به منازعات فرقه‌ای رنگ و بوی سیاسی دادند که با خونریزی همراه گردید (ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۸۳). در اواخر عصر سلجوقی با تضعیف قدرت سلجوقیان، خلیفه با قدرت نسبی خویش به حمایت از حنابله پرداخت (ابن عماد، ۱۳۵۰: ۴/۱۷۶).

شیعیان عصر سلجوقی به‌ویژه در مناطقی مثل ری و بغداد، که در مجاورت محلات سنی‌نشین ساکن بودند، با فتنه‌های فراوانی از سوی اهل سنت به‌خصوص حنابله روبه‌رو شدند. حنبلی‌ها به بهانه‌های مختلف به قتل و غارت شیعیان می‌پرداختند و خلافت و سلطنت در مقابل آن‌ها، واکنش قابل توجهی نشان نمی‌دادند لذا همین موضوع باعث جسارت بیشتر متعصبان می‌شد (ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۹/۶-۳۰۳).

در چنین شرایطی متکلمان شیعه، به‌ویژه در بغداد و ری، به دلیل مجاورت با اهل تسنن و مراکز سیاسی مذهبی آنان، با کسب تجربه از حوادث تلخ منازعات فرقه‌ای و تضعیف پشتوانه سیاسی دریافتند که حفظ کیان شیعه با تقریب و اجتناب از منازعات میسر است. لذا آنان از منازعات درونی اهل سنت کناره‌گیری کرده خود را از کانون‌های تنش و درگیری دور نگه می‌داشتند. چنان‌که در منازعات بین اهل تسنن، گزارشی از حضور متکلمان شیعی

به چشم نمی‌خورد. ثانیاً متکلمان شیعی کوشیدند از درگیری با اهل سنت، که در اکثریت بودند، اجتناب نموده آنان را به طرف مشترکات عقیدتی و مذهبی سوق دهند تا اهرمی برای تقریب و کاهش خشونت شود (Kolberg, 1991: 18; Kafesoglu, 1988: 92).

شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) متکلم، فقیه و مفسر شیعی کوشید این مشترکات را در آیات و روایات و حوزه‌های منقول و معقول بیابد. وی با در نظر گرفتن فضای علمی بی‌نظیری که به علت تعدد مذاهب و اختلاف گروه‌ها در بغداد ایجاد شده بود، دست به اقدام تازه‌ای زد که همان ایجاد «فقه مقارن» بود. وی در این زمینه کتاب «الخلاف» را تألیف کرد و در آن ضمن مباحث فقهی شیعه، آرای عمده مذاهب فقهی اهل سنت را نیز مطرح نمود و حتی از ذکر اقوال و فتاوی نادر آن‌ها هم چشم‌پوشی نکرد (موسویان، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۳). به عنوان مثال طرح دو اصل قیاس و استحسان در الخلاف، حکایت از اندیشه بلند تقریبی شیخ دارد، زیرا آنها دو اصل فقهی غالب اهل سنت‌اند و در فقه شیعه اصلاً کاربردی ندارند و شیخ تنها برای اتخاذ روش منطقی جدل در برابر فقهای مذاهب دیگر اسلامی از این دو اصل استفاده کرده است (صدر، ۱۳۶۲: ۴۱۳).

عبدالجلیل قزوینی رازی، فقیه و متکلم سده ششم هجری نیز بر اساس اصول مشترکی همچون توحید و حبّ اهل بیت^(ع) و با تمسک به شخصیت‌های برجسته شیعه همچون خواجه ابوتراب دوریستی، که مورد احترام اهل تسنن بود، در پی ایجاد جبهه مشترک با دیگر مذاهب اسلامی بود (قزوینی، ۱۳۵۸: ۶۴). وی می‌کوشید قرابتی بین ابوحنیفه و شافعی با اعتقادات شیعه ایجاد کند. همچنین با ارائه مجموعه بزرگ از روایات مشترک میان شیعه و سنی، زمینه مناسبی را برای تفاهم برقرار نماید. وی اختلافات را ناشی از تأویل روایات می‌دانست (همان: ۳۱).

ب: همکاری با نهادهای سیاسی حکومت سلجوقی و فعالیت فرهنگی

ترکان سلجوقی از مدافعان سرسخت مذهب تسنن بودند، بنابراین پس از تحکیم قدرت خویش، هم خلافت عباسی را که به علت ضعف درونی در حال فروپاشی بود و هم مذهب تسنن را که به جهت تسلط حکومت شیعه مذهب آل‌بویه ضعیف شده بود، جان دوباره

بخشیدند. این ائتلاف سیاسی مذهبی با جهت گیری ضدشيعی شکل گرفت، زیرا سلاجقه در جهت کسب مشروعیت نیازمند جلب نظر و رضایت خلافت و اکثریت جامعه یعنی اهل سنت بودند. همچنین سلاجقه بر جایگاه آل بویه تکیه زده بودند و اسماعیلیان خطر بزرگی برای آنان محسوب می شدند لذا از شیعیان به عنوان مدعیان قدرت بیمناک بودند. براین اساس، سیاست نخستین سلاطین سلجوقی یعنی طغرل، آلبارسلان و ملکشاه بر پشتیبانی از اهل تسنن و سخت گیری بر تشیع مبتنی بود (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۹/۶-۳۰۳). البته شیعیان امامی توانستند با اعتدال و میانه روی خویش به تدریج از اواخر سلطنت ملکشاه تا پایان عصر سلجوقی اوضاع را به نفع خویش بهبود ببخشند. شاهد این مدعا، حضور شیعیان در مناصب دولتی است.

اهل سنت در مواجهه با عالمان و متکلمان شیعه، تنها بر اخبار و روایات صحیح و تفاسیر و مباحث کلامی متکی نبودند بلکه بر شمشیر ترکان نیز اتکا داشتند. چنان که با اتکا به این قدرت بود که به خانه شیخ طوسی هجوم بردند و کتابخانه او را سوزاندند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق: ۹/۶۳۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۲/۶۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۸/۱۷۳). همچنین محله کرخ بارها به آتش کشیده شد و در سال های ۴۷۹ و ۴۵۱ هجری گروه زیادی از شیعیان به قتل رسیدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق: ۷/۱۰ و ۱۵۸). در چنین شرایطی که اهل سنت از حمایت قدرت سیاسی بهره مند بود طبعاً می توانست عقاید و اندیشه های خود را از راه هایی جز بحث و مناظره، ترویج و مسلط کند. اما متکلمان شیعه توانستند با اتخاذ راهکارهای مختلف شرایط را به نفع خویش بهبود ببخشند و از خشونت ها بکاهند:

نخست اینکه متکلمان شیعی با علم به شرایط سیاسی و فکری اوایل دوره سلجوقی کوشیدند از طریق اقدامات گسترده فرهنگی، موقعیت مذهبی خویش را در جامعه تثبیت و با میانه روی و اعتدال به همکاری با نهادهای سیاسی روی آورند تا زمینه حضور شیعیان را در عرصه سیاسی مهیا کنند. این اقدام باعث می شد تا شیعیان نیز همانند اهل سنت از اهرم قدرت برخوردار شوند و توازن تاحدی برقرار شود. حضور شیعیانی مانند مجدالملک براوستانی، ابوسعده هندوی قمی و ابونصر کاشی و... در مقام وزارت و افرادی نظیر طاهر موسوی، سیدجمال الدین شرفشاه حسینی و سیدطباطبا حسنی در مقام نقابت نمونه ای از

فعالیت شیعیان در عرصه سیاسی است (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۴۲-۲۳۹ و ۲۳۶ و ۹۰). حتی میان خاندان‌های شیعه و بزرگان حکومتی پیوند ازدواج نیز برقرار شد (همان: ۱۵۴).
دوم اینکه بزرگان شیعه امامیه در واکنشی خردمندانه، در آثار خود از سلاطین سلجوقی تمجید کردند، و فردی مانند عبدالجلیل قزوینی سلاطین سلجوقی را با القاب نیکو و پسندیده ستایش نمود (همان: ۵۳).

سوم اینکه متکلمان شیعی اغلب می‌کوشیدند تا با شرکت در مجالس علمی مخالفان و مناظره علمی با آنان (همان: ۱۱۵) طرف مقابل را از عرصه زور و قدرت سیاسی به صحنه مباحث علمی بکشانند.

مخالفان شیعه اعم از درباریان و علمای اهل سنت که از اهداف فعالیت‌های سیاسی و علمی شیعیان مطلع بودند کوشیدند با عناوینی همچون مبارزه با هرگونه بدعت و انحراف از اسلام، مذهب حنفی و شافعی را رسمیت دهند و خواهان بازگشت عصر اول سلجوقی (طغرل و آلبارسلان) شدند (طوسی، ۱۴۲۸: ۱۸۴ و ۱۱۴؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۸۳). آنان شیعیان را رافضی و کافر و ملحد معرفی نمودند که اهل قبله نیستند و به خدا، نبوت و روز قیامت اعتقادی ندارند (راوندی، ۱۳۶۴: ۳۹۴). همچنین کتاب‌ها و ردیه‌هایی نوشتند که شیعیان را آماج انواع تهمت‌ها قرار می‌داد، چنان‌که نگارش کتابی به نام «فضایح الروافض» از گرایش ضدتقریبی مخالفان شیعه حکایت دارد. مؤلف فضایح سعی دارد شیعه را نسبت به خلفا، صحابه و سنیان سخت متعصب نشان دهد و اتهاماتی همچون تشبیه و تجسیم را به شیعه نسبت می‌دهد. او به سران دولت سلجوقی، دوران حکومت سلطان محمد و تلاش وی در منزوی نمودن رافضیان و باطنیان را الگوی مناسب معرفی می‌کند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۶۴۰، ۵۷۴، ۴۴۹، ۴۲۷، ۲۹۹، ۱۲۳).

متکلمان شیعه در پاسخ به این کارشکنی درباریان و اتهامات علمای اهل سنت به مقابله علمی برخاستند. عبدالجلیل قزوینی به امر بزرگان شیعه^۱ در کتاب «النقض» به اتهامات علیه شیعه پاسخ داد (همان: ۹۷ و ۲۶۲-۲۶۳) و مخالفان شیعه را از خشونت مذهبی برحذر

۱. سید مرتضی پس از مشاهده کتاب «فضایح الروافض» گفت: «عبدالجلیل قزوینی لازم است در جواب این کتاب بر وجه حق کتابی بنویسد که کسی نتواند آن را انکار کند» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۶-۵).

داشت (همان: ۱۴۷). او از اتهام تکفیر و القای تهمت‌های مذهبی بیزاری جسته، آن را بدعتی برخلاف سنت اهل علم دانست (همان: ۱۶۲).

سدیدالدین حمصی رازی متکلم شیعی سده ششم هجری در کتاب کلامی خویش، شبهه‌های وارده به عقاید شیعه و دیدگاه‌های مخالف را نقد و بررسی کرده است.^۱

پ: تقیه و هجرت

در زمانه‌ای بسیار حساس که نزدیک بود بغداد توسط فاطمیان سقوط کند، حاکمیت سیاسی مذهبی تسنن توانست با اتکا بر شمشیر ترکان و جریانات فکری حدیث گرایانه حنبلی و مکاتب کلامی ماتریدی و اشعری دوره‌ای از پیشرفت را تجربه نماید. حتی طغرل جهت تحکیم ائتلاف سلطنت و خلافت، دختر القائم را به عقد خویش درآورد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ ق: ۹/ ۶۱۷- مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۳۰). البته تلاش در برقراری و ثبات این روابط بیشتر بر مدار منفعت بوده و دغدغه مذهب چندان مطرح نبوده است.

به نظر می‌رسد ائتلاف مصلحتی سلطنت و خلافت در اوایل دوره سلجوقی برای برخی از فرّق اهل تسنن سودمند بود. مذهب فقهی - کلامی حنبلی تحت لوای این ائتلاف و حمایتی که از آنان به عمل می‌آمد، در طول این دوران، مسئله تقریب را به چالش می‌کشید. چنان‌که در اواسط دوره سلجوقی، که افزایش قدرت سلاطین باعث واگرایی خلیفه و سلطان شد، حنابله همچنان با تمام مذاهب اسلامی به مخالفت می‌پرداختند و حتی اشاعره نیز علی‌رغم حمایت‌های خواجه نظام‌الملک و تأسیس مدارس نظامیه، در برابر حنابله ناکام ماندند (ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۹/ ۲۰۰). در اواخر دوره سلجوقی با توجه به تضعیف قدرت سلجوقیان، خلافت عباسی توانست قدرت نسبی خویش را احیا نماید (همان: ۱۶/ ۱۰۵ و ۱۱۳ و ۱۵۷) و حمایت خویش را از حنابله استمرار بخشد.

حنابله همواره با شیعیان سر نزاع و اختلاف داشتند. درگیری‌های حنابله و شیعیان تا پایان حکومت سلجوقیان جز در برهه کوتاهی از عصر ملکشاه، همواره به نفع حنبلیان تمام

۱. به عنوان نمونه ببینید پرسش و پاسخ‌های او در بحث ایمان با عبارات: ان قیل، قلنا. ان قالوا، قلنا (المنقذ من التقليد،

می‌شد. هرچند این منازعات ظاهری مذهبی داشت ولی ماهیتش سیاسی بود و خلفا صحنه‌گردان این منازعات بودند و حنبلیان را به‌مثابه حزبی سیاسی، به کار می‌گرفتند. تهاجم حنبلی‌ها به شیعیان سبب گردید بیشتر محله‌های شیعه‌نشین رونق خود را از دست بدهند و برخی محله‌ها مانند «مشهد العتیقه» ویران گردید و «جامع برائا» تعطیل شد (یاقوت، ۱۴۰۸: ۱/۴۳۲). تهاجم به شیعیان در ایام عزاداری ماه محرم و جشن‌های نیمه شعبان (همان: ۵۰۶-۵۰۵)، نشان‌دهنده ماهیت سیاسی این درگیری‌هاست؛ زیرا مراسم‌های مذکور از مظاهر مهم و اصلی یکی از اصول تشیع یعنی امامت محسوب می‌شود.

متکلمان شیعه در برابر این ائتلاف برای صیانت از مکتب اهل‌بیت،^(ع) به نحوی عمل کردند تا از شدت خشونت‌های مذهبی کاسته شود. آنان نخست با اتخاذ سیاست اعتدال مذهبی و تقیه در صدد صیانت از عقاید و اندیشه‌های شیعی برآمدند. برای مثال امین‌الاسلام طبرسی (م ۵۴۸) در مجمع‌البیان رویه اعتدال پیش گرفت و تفسیر خود را برای تمامی امت اسلامی نوشت و دیدگاه‌های مذاهب و فرقه اسلامی را بدون تحقیر یا کم و کاست بیان کرد. او در تفسیر آیات، نخست دیدگاه‌های مفسران فرقه دیگر را می‌آورد و از بزرگان اهل سنت هم حدیث نقل می‌کند. البته او در دفاع از عقاید شیعه کوتاهی نکرده و با عقل و درایت آن را مطرح می‌کند، برای نمونه در تفسیر عبارت «صالح المؤمنین» در آیه ۴ سوره تحریم می‌نویسد: «مراد از آن براساس روایات شیعه و سنی، امیرالمؤمنین است و مجاهد نیز چنین عقیده دارد» و حدیثی از کتاب «شواهد التنزیل» حسکانی نقل می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۰/۳۱۶). در مورد آیه «اکمال الدین» نخست نظر علما و دانشمندان را درباره آن بیان می‌کند و در پایان نظر امامیه را نقل می‌نماید (همان: ۳/۱۵۹). دوم اینکه علمای شیعه راه برون‌رفت از تنگناها و پیشرفت علمی را در انتقال درس و بحث به مناطق دور از کانون تنش‌ها و چالش‌ها یا به عبارتی هجرت دانستند. چنان‌که شیخ طوسی خراسان را که دارای حکومتی سنی‌مذهب و متعصب غزنوی بود، به مقصد بغداد ترک کرد (الأمین، ۱۹۸۳: ۱۶۲) و سال‌ها بعد در ابتدای عصر سلجوقی، وقتی با آتش‌زدن خانه و کتابخانه‌اش به دست متعصبان مواجه شد، حوزه درس و بحث خود را به نجف انتقال داد و نجف خاستگاه حوزه علمیه شیعه گردید (ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۸/۱۷۳). انتخاب شهر نجف توسط شیخ، علاوه بر

موقعیت جغرافیایی، بدان علت بود که جنبش علمی مکتب کوفه در نیمه قرن دوم هجری میان بغداد و نجف تقسیم شده بود (العزاوی، ۱۹۹۹: ۹۷ - آل محبوبه، ۱۹۸۶: ۱/ ۴۰۲).

ت: اعتدال و تسامح در مقابل تعصب مراکز علمی عصر

پس از غلبه طغرل بر بغداد، دارالعلم و کتابخانه شاپور بن اردشیر وزیر دیلمی و نیز کتابخانه شیخ طوسی به آتش کشیده شد و تأسیسات آموزشی شیعیان از رونق افتاد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق: ۱/ ۹، ۱۰۱، ۱۱۱، ۳۵۰، ۶۳۷). مقارن با این وقایع، مدرسه حنفیه توسط ابوسعید مستوفی، نماینده البارسلان و نظامیه شافعیه بغداد در ۴۵۹ ق تأسیس گردید تا نقطه آغازی برای تقویت مبانی و رونق و اقتدار مذاهب اهل سنت باشد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق: ۱۰/ ۵۴؛ کسائی، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۰۸).

نظام الملک مؤسس نظامیه برای مقابله و محور کلیه آثار و عوارض حاصل از تبلیغات شیعه اسماعیلی، مدارس جدیدی در مشهورترین شهرهای عراق و ایران ایجاد کرد (امین، ۱۹۹۹: ۲/ ۴۹). انگیزه خواجه در ایجاد مدارس نظامیه توجه و علاقه متعصبانه به علوم دینی، جانبداری شدید از مذهب شافعی و طریقه‌ی اشعری و تربیت مستخدمان دولتی با معتقدات مذهب سنت بود که می‌بایست جانشین طبقه دبیران سابق گردند (ابن قاضی، ۱۳۸۹: ۱۷۹). لذا از نتایج نظامیه، وحدت دیوان سالاری با طبقات مذهبی بود. همچنین نظام الملک درصدد بود با گسترش فرقه‌ی اسماعیلیه که موجودیت دولت را تهدید می‌کرد، مبارزه کند.

عدم تعاملات فرهنگی با سایر مذاهب و فرقه‌ها، انحصار دانش و بهره‌گیری‌های سیاسی، از نقاط ضعف مدارس نظامیه و مراکز آموزشی تحت شعاع آن بود. تشدید مجادلات مذهبی و ایجاد تفرقه در جوامع اسلامی، بزرگ‌ترین ضربه و آسیبی بود که با تأسیس مدارس نظامیه بر پیکر جامعه اسلامی وارد شد (موسوی، ۱۳۷۳: ۹۷-۹۹).

خواجه از بزرگ‌ترین استادان شافعی نظیر ابو حامد غزالی و ابوالمعالی جوینی در نظامیه بهره برد (ابن خلکان، ۱۹۶۸: ۱/ ۳۶۱ و ۱۸۰). نظام الملک، غزالی و جوینی سه ضلعی را تشکیل دادند که در یک ضلع تلاش‌هایی برای حذف فلسفه و عقل‌گرایی از ساحت علوم،

در ضلع دوم تعصب و حمیت مذهبی و در ضلع سوم حمایت سیاسی قرار داشت که همگی در جهت مبارزه با شیعه و آموزه‌های آن خصوصاً اسماعیلیان عمل می‌کردند.

عقل‌گرایی شیعه که محصول تساهل عصر آل بویه بود مسلماً در این عصر به دلیل فقدان تساهل دوره قبل با چالش‌های بسیار مواجه شد. برنامه درسی مراکز آموزشی نمونه‌ی بارزی از مبارزات کلامی در برابر اندیشه فلسفی خصوصاً فلسفه ابن سینا و فارابی بود (قمی، ۱۳۶۳: ۵۸ و ۷۸). مقابله با فلسفه ابن سینا جهت مقابله با گسترش عقل‌گرایی شیعه صورت می‌گرفت، زیرا فلسفه ابن سینا با بن‌مایه‌های تفکرات شیعی در جهان اسلام دوستدار داشت و اهل تسنن از چنین اشاعه‌ای می‌ترسیدند. غزالی در راستای ردّ اندیشه‌های فلسفی فارابی و ابن سینا، برخی سخنان آنان را «الکفر الصریح» خواند (حائری، ۱۳۷۲: ۱۳۱).

در مقابل عملکرد ضعیف و مغایر با تقریب مراکز آموزشی اهل سنت، متکلمان شیعی عمدتاً خود را در قیدوبند موطن و مکتب محصور ننموده و بسیار سفر می‌کردند و هرجا زمینه علم‌آموزی می‌دیدند، رحل اقامت می‌افکندند، فارغ از اینکه منطقه شیعه‌نشین است یا سنی‌نشین. آنان در این سفرها علاوه بر درک محضر علما، می‌کوشیدند با عرضه احادیث اهل بیت^(ع)، معرفی تفکر شیعی، آشنایی با شبهه‌ها و پرسش‌های مخالفان (گرجی، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۷)، به هدایت و رهبری فکری شیعیان و رفع شبهه‌ها پردازند.

متکلمان شیعه به مراکز علمی اهل سنت و علمای آن به دیده احترام می‌نگریستند و در مجلس مخالفان خود حضور می‌یافتند تا از صحبت سخنرانان، قول احسن را انتخاب کنند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۰۵). ابن شهر آشوب (۴۸۹-۵۸۸ ق)^۱ به دلیل مشی اعتدال‌گرایی و خردورزی، با بسیاری از علمای اهل سنت تعامل داشت و بخش عمده‌ای از زندگی خود را در بغداد و حلب، که در روزگار وی از مناطق مهم اهل سنت محسوب می‌شد، گذراند. همچنین نزد تعدادی از عالمان بزرگ اهل سنت از جمله «جارالله زمخشری معتزلی» (۴۶۸-۵۳۸ ق) تلمذ کرده و یا با آنان در حوزه‌های مختلف علمی همکاری داشت (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۸).

۱. ابن شهر آشوب دارای چنان جایگاهی است که وی را پس از شیخ طوسی، «شیخ طایفه ثانی» لقب داده‌اند (مدرسی، بی‌تا: ۵۹/۴).

مراکز و مجالس علمی شیعی به روی اهل علم، اعم از شیعه و سنی باز بود و زمینه ارتباط مناسب بین اندیشمندان شیعه و سنی را فراهم می کرد تا تبادل افکار و اندیشه جایگزین خشونت و نزاع شود، هر چند اغراض سیاسی و تعصبات مذهبی اغلب در این مسیر کارشکنی می کرد.

سید ضیاءالدین فضل الله راوندی از مشهورترین اساتید زمان خود بود که شخصیت‌هایی مانند دانشمند مشهور اهل سنت ابوسعید عبدالکریم سمعانی مروزی صاحب کتاب «الانساب» در محضر او کسب علم نمود (منتجب الدین، ۱۳۶۶: ۱۳۵؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۹۸).

همچنین به عنوان نمونه می توان از دارالعلم غرس النعمه یاد کرد که در بحبوحه منازعات مذهبی بغداد سعی داشت خط‌مشی کاهش خشونت‌های مذهبی را دنبال کند. این دارالعلم در سال ۴۵۲ ق توسط عالم شیعی، ابوالحسن محمد بن هلال صابی، معروف به «غرس النعمه» در غرب بغداد ساخته شد (خطیب بغدادی، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۸۵). مؤسس آن تلاش می کرد با برپاساختن جلسات مباحثه و گفتگو، موجبات گردآمدن دانشمندان زمانه را فراهم کند. چنان که حضور حنابله، معتزله و اشاعره در آن نشان دهنده تسامح مذهبی مؤسس این دارالعلم است. به عنوان نمونه ابوالوفاء علی بن عقیل حنبلی (م ۵۱۳ ق) در این دارالعلم، درباره عقل و خصوصیات و خطاهایش بحث نمود و در این گفتگو میان مردی اشعری و معتزلی در این باره مباحثه رخ داد (جوادی، ۱۹۴۵: ۲۹۷).

ارتباط سیدعلی ابن طاووس (۵۸۹ - ۶۶۴ ق) با علمای اهل سنت، از تلمذ نزد بزرگانی همچون ابن نجار بغدادی (م ۶۴۳ ق) تا رفاقت با علمایی همچون ابن ساعی (م ۶۷۴ ق)، از روحیه اعتدال او حکایت می کند. در هیچ یک از نوشته‌های سید از عالمان سنی بدگویی نشده است. او تنها ابوهلال عسگری (م ۳۹۵ ق) نویسنده کتاب «الأوائل» را مخالف سرسخت شیعه معرفی می کند ولی همین کتاب، مورد استفاده اش بوده است. درباره زمخشری نیز می نویسد: «زمخشری از عالمان برجسته اهل سنت و فردی منصف بوده است» (ابن طاووس، ۱۳۶۳: ۱۳۱).

شیخ طبرسی می نویسد: «پس از فراغت یافتن از نوشتن کتاب بزرگ مجمع البیان در تفسیر قرآن به کتاب «کشاف» علامه جارالله زمخشری دست یافتم و پس از مطالعه آن

دریافتیم که این کتاب از نکاتی تازه و عباراتی بدیع و الفاظی شگفت برخوردار است، از این رو خلاصه آن را به صورت کتابی جامع و بی نظیر گردآوری نمودم و نام آن را «الکافی الشافی» نهادم (طوسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۸). ایشان با اینکه دارای ارج و منزلت خاص و بلند بود، اما به فضل و علم و شایستگی عالم معاصر خود زمخشری، که عالمی حنفی و معتزلی است، اذعان می‌کند.

متکلمان شیعه کوشیدند روح تجدید و تحول را در مراکز علمی بدمند و خود را وقف رشد علمی و تربیت استادان متخصص کنند. شیخ طوسی در طول اقامت در نجف، همه اهتمام خویش را بر تدریس نهاد، لذا غیر از کتاب‌های تألیفی در بغداد، کتاب جدیدی نوشت و تنها املاهای خویش را در سخنرانی‌ها خود به شاگردان تحت عنوان «امالی» را به یادگار گذاشت.

ث: مقابله با خردستیزی و جزم‌اندیشی حنابله

رویکرد گذشته‌گرایی (سلفی‌گری) اهل سنت به زعامت احمد بن حنبل و داود بن علی اصفهانی، در واقع عکس‌العملی به عقل‌گرایی معتزله و بازگشت به روش پیشین اصحاب حدیث در مسائل اعتقادی بود (شهرستانی، بی تا: ۹۵ و ۹۶). آنان برای حفظ حدیث به طور کلی عقل‌گرایی و عقلانیت را انکار کرده و راه ورود آن را به احادیث بستند. در حالی که مکتب کلامی عقل‌گرای شیعه به مرکزیت بغداد، خط‌مشی گذشته‌گرایان اهل سنت را نمی‌پسندید و از کلام عقلانی در برابر حدیث‌گرایی جانب‌داری می‌کرد (کیانی فرد، ۱۳۹۳: ۴۰). البته در بین شیعه نص‌گرایانی نیز بودند که متکی بر نقل حدیث و عمل به اخبار آحاد بودند ولی به مانند حدیث‌گرایان اهل سنت به کلی عقلانیت را انکار نکردند.

حنابله به ویژه در جریان ائتلاف سلطنت و خلافت در عهد سلجوقی، به تقویت گذشته‌گرایی و مقابله با عقل‌گرایی پرداختند. زیرا با روی کار آمدن غزنویان و سلجوقیان که از خوی بیابان‌گردی، سادگی ذهن و تعصب نسبت به اهل سنت و حدیث برخوردار بودند مبارزه با خرد‌گرایی شکل رسمی و حکومتی گرفت. مدارس نظامیه نیز به گسترش سنت‌گرایی و جزم‌اندیشی شدت بخشید. علم کلام نیز از آسیب جزم‌اندیشان مصون نبود و

باینکه اکثر فقها و محدثین اهل سنت قائل به حرمت آن بودند (ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۸۲-۸۳) ولی در این دوره با علم کلام نیز مخالفت شد زیرا متکلمین برای اثبات اصول عقاید خود و مبارزه با مخالفان، از ابزار منطقی استفاده می کردند.

براین اساس مکتب کلامی عقل گرای شیعه به عنوان مدافع اندیشه عقل گرا و تفکر فلسفی وارد عمل شد. شیخ طوسی به عنوان یکی از اولین مطرح کنندگان اندیشه تقریب، به مبارزه بی امان خود با جمود فکری پرداخته و در مقدمه کتاب المبسوط خود از گروه جامد فکرها شکایت کرده است (طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۱/ ۲). مقابله با جزم اندیشی و جمود فکری از خصائص روحیه آزاداندیشی شیخ طوسی بود. او در کتاب «عده الاصول»، نخستین و کامل ترین نظریه را در تبیین جایگاه عقل ارائه داده است، سپس به تبیین جایگاه عقل در کلیه معارف از جمله فقه و کلام پرداخته و پس از تعریف ماهیت عقل، به بیان وسعت آن و شمولش نسبت به احکام عقل نظری و عملی اشاره دارد. وی معتقد بود وقتی می توان بر وجود خدا استدلال کرد و صفات او را اثبات نمود و صدق پیامبران خدا را به دست آورد که عقل در انسان حاصل شده و او به درجه کمال عقلی برسد (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۱-۲۳).

متکلم شیعی قرن ششم هجری، ابن ادریس حلی (۵۹۸-۵۴۳ ق) در مقدمه «السرائر» عقل را در زمره منابع احکام به شمار می آورد (ابن ادریس، ۱۴۲۸: ۱/ ۴۹) و محقق حلی (م ۶۷۶ ق) نیز دلیل عقل را یکی از مستندهای احکام یاد می کند و آن را دو قسم می کند: یک قسم آن دلیلی است که توقف بر خطاب شارع ندارد؛ مانند وجوب رد ودیعه. قسم دیگر دلیلی است که بر خطاب شارع توقف دارد و آن عبارت است از لحن الخطاب، فحوی الخطاب و دلیل الخطاب (حلی، ۱۳۶۴: ۶). با توجه به فضای خردستیز زمانه، سخن این متکلمان گامی بلند در اقبال به عقل محسوب می شود.

نوبختی (قرن پنجم)^۱ در اثر کلامی خویش، «الیاقوت» از مروجان روح آزاداندیشی در فضای جزم اندیشی زمانه، به رغم مخالفت با کلام اشاعره، در عینیت وجود و ماهیت

۱. مؤلف کتاب سیر تطور کلام شیعه بر اساس قرائن و شواهدی حیات وی را در قرن پنجم یا ششم تقویت کرده است (جبرئیلی، ۱۳۸۹: ۳۱۲-۳۱۵).

باری تعالی با آن‌ها موافق است. او گاهی (برای نمونه در قول به وجوب اصلاح در دنیا) با معتزله بغداد موافق است و در مواردی هم مانند عدم وجوب قبول توبه بر خدا، برخلاف مشهور نظر داده است (کیانی فرد، ۱۳۹۳: ۵۳).

در نهایت خواجه نصیرالدین طوسی در مقام دفاع از علوم عقلی، فکر فلسفی را احیا نمود و با شرح اشارات ابن سینا، مکتب مشاء را از حملات ضدفلسفی مصون داشت و در رد کتاب تهافت الفلاسفه غزالی، کتاب تهافت التهافت را نوشت. خواجه برخلاف گذشتگان تنها به بررسی گزاره‌های دینی، تبیین باورهای مذهبی و دفاع از حوزه دین اکتفا نکرد بلکه به تدوین منطقی و زیربنایی این اندیشه‌ها پرداخت و با بهره‌گیری از حکمت مشاء، بخش امور عامه فلسفه را به عنوان مقدمه در مباحث کلامی وارد نمود (مطهری، ۱۳۸۱: ۳/۸۸؛ نعمانی، ۱۳۲۸: ۷/۱).

۲. مواجهه متکلمان شیعی با چالش‌های درون‌مذهبی تقریب مذاهب

سیر تفکر شیعه بیانگر آن است که این مذهب در مورد اصل امامت و نحوه بهره‌گیری از احادیث و عقل در تفسیر متون دینی، به کارگیری شیوه تأویل در آیات و روایات و نیز تأثیرپذیری از محیط‌های فرهنگی، انشعابات مختلفی داشته و همین امر باعث بروز چالش‌های درونی شده است، لذا متکلمان شیعی با علم به این چالش‌ها اقداماتی را برای تقریب مذاهب سامان دادند که عبارت بودند از:

الف: دعوت محدثان شیعی به جدال احسن

در عصر حضور امامان، کلام شیعه رویکرد عقلی و نقلی را توأمان داشت. پس از غیبت صغری تا شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه.ق) بسیاری از شیعیان به کلام نقلی روی آوردند و از مباحثات و مناظرات عقلی دوری کردند و نظر خوشی به متکلمان عقل‌گرای شیعی نداشتند؛ اما پس از آن متکلمانی چون شیخ مفید (م ۴۱۳ ه.ق)، سیدمرتضی علم‌الهدی (م ۴۳۶ ه.ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه.ق) مجدداً به روش عقلی در بحث‌ها و مناظرات کلامی روی آوردند (کیانی فرد، ۱۳۹۳: ۴۰). مدار کار کلامی‌ها، اجتهاد و بهره‌گیری از عقل و

مبنای کار محدثان، خبر و پرهیز از اجتهاد بود. البته اعتدال علمای شیعه در کار بست عقل و استناد به نصوص دینی و وجود روایات ائمه^(ع) از بروز افراط بین دو رویکرد می‌کاست. این دو رویکرد درجات مختلفی از تمایل به تقریب داشتند. مناطقی همچون بغداد و ری به دلیل مجاورت سنی و شیعه، محفلی برای طرح اختلافات عقیدتی شده بود. تأثیر وجود چنین جوی، بر پیدایش نوعی عقل‌گرایی و واقع‌نگری قابل‌انکار نیست. متکلمان شیعی این مناطق خواهان محیطی علمی و مسالمت‌آمیز بودند. در آثار بزرگان شیعه اصولیه نظیر «المبسوط» و «تفسیر التبیان» شیخ طوسی و «مجمع البیان» طبرسی و... (فزوینی، ۱۳۵۸: ۲۶۳) این تفکر اعتدالی بارز است.

شیعیان قم به دلیل یکدست بودن جریان تشیع و عدم برخورد های فکری با مخالفان موجب تأکید افراطی محدثان این حوزه بر عمل به ظواهر روایات و پرهیز از هر نوع دخالت دادن عقل و اجتهاد در فهم و نقادی حدیث شده بود و از طرفی شرایط قم با عراق و ری و... فرق می‌کرد. اکثریت قم شیعه و در مجاورت با مراکز سیاسی دینی اهل تسنن نبودند این امر کمتر سبب نزدیکی آنان با اهل تسنن یا مناظره کلامی با آنان می‌گشت. مجموعه این عوامل سبب گردید قمی‌ها گرایش تقریبی کمتری داشته باشند. حال آنکه گرایش اصولی شیعه بر اثر کسب تجربه از حوادث تلخ منازعات فرقه‌ای گذشته و به دلیل تضعیف پشتوانه سیاسی و حکومتی شیعه دریافته بود حفظ کیان شیعه جز از طریق تقریب میسر نیست. از این رو بر تقویت وجوه اشتراک خود با اهل تسنن، که می‌توانست موجب کاهش چالش‌ها گردد، همت گماشتند. متکلمان شیعی از این چالش‌ها به‌عنوان فرصت استفاده کردند و به بارورتر ساختن فقه امامیه و گسترش مضامین آن پرداختند. چنان‌که شیخ طوسی در المبسوط و الخلاف به اقتضای مشی اعتدالی و تقریبی، از متون سنی بهره گرفت و موجب شکوفایی فقه گردید (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲: ۵۹).

احمد بن ابی‌طالب طبرسی، از متکلمان شیعی اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، در مقدمه کتاب «احتجاج» که از مصادر مهم کلامی ائمه اطهار^(ع) در قالب بحث‌ها و استدلال‌های معصومین^(ع) و بزرگان دین با مخالفان در موضوعات مختلف است، می‌نویسد: آنچه مرا به تألیف این کتاب برانگیخت این است که گروهی از اصحاب

(علمای شیعه) طریق احتجاج و سیبل جدال احسن را هر چند حق باشد رها کرده و براین عقیده‌اند که هرگز رسول خدا^(ص) و ائمه^(ع) با مخالفان مجادله نکردند و لذا شیعه را نیز مجاز به انجام آن ندانسته بلکه از آن نهی کرده‌اند، پس بر آن شدم تا کتابی تألیف کنم که مشتمل بر مجموعه‌ای از محاورات آنان با مخالفان در زمینه فروع و اصول باشد (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۴).

عبدالجلیل قزوینی نیز با کاربرد اصطلاح «نصب» و «ناصبی» به جای عناوینی همچون «حشوی» و «غلات» که کم و بیش در آثار متقدمان شیعه (مفید، ۱۳۶۳: ۸۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۳؛ الشریف المرتضی، ۱۴۰۵: ۱/۱۵۷ و ۳/۳۱۰ و صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۳۵۹ و ۴/۵۴۹) به کار می‌رفت کوشید از گرایش‌های افراطی شیعه و اهل سنت بکاهد.

ابن شهر آشوب تعامل وسیع و هدفمندی با فرقه‌های کلامی اهل سنت داشت. چنان که نزد اهل سنت شخصیتی مورد احترام بود (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۷۲۶). وی در کتاب کلامی خویش، متشابه القرآن، نظریات رجالی و تفسیری مخالفین تشیع و نظریات فرقه‌های مختلف کلامی نقد و ارزیابی علمی کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱/۱۰۶) و با رعایت اعتدال‌گرایی و عقل‌محوری، جانب‌دار حقایق بوده است (ملکی میانجی، بی‌تا: ۲/۶۲). همچنین در کتاب «مناقب آل ابی طالب» بر اساس مشی اعتدال‌گرایی‌اش، از منابع و مصادر بسیاری از اهل سنت در خصوص فضایل معصومین^(ع) بهره برده است و کوشش نموده با بهره‌گیری از عقل و سنت، اصالت و حقانیت کلامی شیعه را به اثبات برساند (ر ک: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب).

سدیدالدین حمصی در کتاب المنقذ، اقوال مختلف به‌ویژه دیدگاه‌های معتزله (حمصی رازی، ۱۴۱۲: ۱/۴۰۱، ۳۴۸، ۳۳۶، ۳۲۴، ۳۲۵، ۶۲، ۶۳ و ...) و اشاعره، از جمله نظریه کسب (همان: ۱/۱۶۲ و ۲۰۲) را نقل کرده است. وی علاوه بر منابع کلامی علمای شیعه، از منابع کلامی اهل سنت همچون الفائق زمخشری بهره برده و شبهه‌های وارده به عقاید شیعه را نقد و بررسی کرده است (جبرئیلی، ۱۳۸۹: ۱/۲۰۸ و ۲/۹۹ و ...).

در نهایت باید از ابن طاووس یاد کرد که در تعاملات و مباحثات علمی با عالمان سنی که عمدتاً به عرصه‌های دعا، تاریخ، تفسیر و به ویژه فضایل اهل بیت^(ع) مربوط است؛ جانب‌دار حقایق بوده است (ابن طاووس، بی تا: ۴۷۸).

ب: مقابله فکری با جریان غلو

پیدایش غلو^۱ و گروه‌هایی با نام غالی از زیانبارترین جریانات و انحرافات درونی شیعه بود که در ضایع کردن چهره تشیع و انزوای مکتب اهل بیت تأثیر بسزایی داشت. صاحب النقص از گسترش تکاپوهای فضایلین و مناقیبیان که ذکر علی^(ع) و اولاد او را می‌گفتند و صحابه مخالف آنان را مورد لعن و نفرین قرار می‌دادند، سخن به میان آورده است (قزوینی، ۱۳۵۸: ۷۷) و با مردود دانستن اقدامات آن‌ها، نصیریّه را از شیعیان امامیه نمی‌داند. اعتقاد به الوهیت امام علی^(ع) و حتی دیگر ائمه اطهار^(ع) از ویژگی اصلی عقیدتی آن‌ها محسوب می‌شد (حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۱۶۷؛ القلقشندی، بی تا: ۱۳/ ۲۴۹؛ شهرستانی، بی تا: ۱/ ۲۵۲-۲۵۱). ترویج غلوگرایی برای شیعیان پیامدهای نامطلوبی داشت که متکلمان شیعه با درایت به مقابله با آن پرداختند:

نخست اینکه غلو منجر به سلب اسوه و قابل اتباع بودن از ائمه اطهار^(ع) می‌گشت. اصول آراء و عقاید غالیان، تشبیه و تجسیم، حلول و تناسخ و تفویض بود و در حلول و تجسم، به حلول روح الهی و مجسم شدن آن در ائمه اطهار^(ع) معتقد بودند (مفید، ۱۳۶۳: ۱۲۳-۱۲۴). چنین عقایدی الحادی، ساحت ائمه شیعه را نزد عوام خواص و عوام اهل سنت تخریب می‌نمود، از این رو متکلمان شیعه در مورد حضرت علی^(ع) (قزوینی، ۱۳۵۸: ۵۲۸-۵۲۹) و یا اصل رجعت (همان: ۲۸۷) به شفاف‌سازی و نقد غالیان پرداختند.

دوم، غلوگرایی راه ورود بسیاری از روایات و حکایات نامعقول را به عرصه معرفت دینی گشود و عرصه را بر کسانی که قصد دین ورزی خردمندانه داشتند، تنگ کرد (جهانبخش، ۱۳۸۹: ۱۵۴-۱۵۶). متکلمان شیعه بیمناک بودند که اندیشه‌های غلو، به تدریج

۱. غلو در لغت به معنای زیاده‌نگاری و در اصطلاح بزرگ کردن امری یا شخصی برخلاف واقع است (زبیدی، ۱۳۸۵:

۲۰/ ۲۳؛ ابن منظور، بی تا: ۱۳۲/۱۵ - ۱۳۴).

به اندیشه تشیع نزدیک و به عنوان اندیشه شیعه معرفی شوند. شیخ طوسی برخی از احادیث منقول شیعه را نمی‌پذیرفت و معتقد بود بعضی روایات منتسب به شیعه، از اهل غلو یا افراد بی‌اطلاع صادر شده است (خزاعلی، ۱۳۶۲: ۴۲۴).

سوم، اندیشه‌های غالبانه دستاویزی برای اهل تسنن بود تا به سرزنش شیعیان پردازند و آنان را به کفر و بی‌دینی متهم سازند. در سال ۴۴۸ ه. ق ابو عبدالله بن جلاب یکی از مشایخ شیعه، که نسبت به گرایش دینی خود پایداری نشان می‌داد، به جرم غلو و الحاد، به دار آویخته شد (ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۸ / ۱۷۸).

چهارم، مغرضانی همچون صاحب فضائح الروافض بین آرای شیعه و غلات خلط می‌کردند، لذا متکلمان شیعه با دقت و فراست می‌کوشیدند تفاوت شیعه امامی با قرامطه و باطنیه را برای مردم و زمامداران آشکار سازند (قروینی، ۱۳۵۸: ۴۳۴-۴۲۴).

پنجم، سخنان و رفتارهای غالبان برخی را بر آن داشت که به بهانه جلوگیری از سوءاستفاده آن‌ها، از بیان مبانی تشیع معتدل نیز خودداری کنند. از ابوحنیفه نقل شده: «به اصحابم گفته‌ام جریان غدیر خم را نقل نکنند... از آنجایی که برخی مردم، غالی شده‌اند» (صدوق، ۱۳۷۶: ۲۶-۲۷).

ششم، اصول اعتقادی غلات همچون الوهیت به موضوع امامت مربوط می‌شد و اغلب از طرح آن اهداف سیاسی داشته‌اند. البته الوهیت از قرن سوم هجری بار سیاسی خود را از دست داد و جنبه‌های عقیدتی و کلامی آن فزونی یافت (جهانبخش، ۱۳۸۹: ۸۹). از این رو متکلمان شیعه در مقابله با خلط آرای غلو با شیعه پیرامون مهم‌ترین مبحث کلام یعنی امامت، همت نهادند. ابن شهر آشوب می‌نویسد: پیامبر و امام واجب است که علوم دین و شریعت را بدانند و واجب نیست غیب را و آنچه را بوده است و خواهد بود بدانند، زیرا این بدانجا می‌انجامد که در همه دانسته‌های قدیم متعالی [خداوند متعال که «قدیم» است] با او همناب باشند، حال آنکه دانسته‌های قدیم [خداوند] نامتناهی است... و رواست که غائبات و کائنات گذشته یا آینده را به واسطه اعلام و اخبار خدای تعالی به پیامبر و امام بدانند، البته پاره‌ای از آن‌ها را... (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۱۱).

شیخ طوسی نیز می نویسد: واجب نیست که امام از علوم و فنون دیگر که ربطی به احکام دینی ندارد، مطلع باشد، زیرا او تقدّم و ریاستی در آن‌ها ندارد، بلکه اگر امام در این موارد نیز امامت و ریاستی داشت، لازم بود که در آن‌ها نیز خبره و ماهر باشد (طوسی، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۵۲).

پ: بیزاری و فاصله گرفتن از اسماعیلیان

در قرون پنجم و ششم هجری گسترش تکاپوهای شیعیان تندرو اسماعیلی به مرکزیت خلافت فاطمیان در مصر، موجب تحت شعاع قرار گرفتن جریان شیعه امامیه می‌ماند. گردید. تبلیغات آنان که بر دیدگاه‌های فلسفی مبتنی بود، برای کسانی که راجع به نظریه‌های جزمی درباره مذهب تردید داشتند، جذابیت خاصی داشت. براین اساس بزرگان اهل سنت اسماعیلیان را از حیث اعتقادی، خطر بزرگی محسوب می‌کردند. علاوه بر ناسازگاری اعتقادی، اسماعیلیه بزرگ‌ترین خطر سیاسی نیز برای سلجوقیان و خلافت عباسی بودند و سازمان دعوت اساساً برای فعالیت‌های سیاسی شکل گرفته بود. در این میان عده‌ای از منتقدان شیعه امامی کوشش می‌کردند تا با اشاره به تشابه‌های میان ملاحده و شیعه آن‌ها را طرد کنند. چنان‌که سعدالملک آوجی، وزیر شیعی مذهب سلجوقی به جرم باطنی‌گری به دار آویخته شد (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۴۵).

برخی از بزرگان شیعه به دلیل همین اتهامات، با اسماعیلیان دشمنی می‌ورزیدند و جان بر سر این راه نهادند. معین‌الدین کاشی وزیر سنجر با اسماعیلیان دشمنی می‌ورزید که به دست اسماعیلی‌ها کشته شد (آصف‌خان قزوینی، ۱۳۸۲: ۵ / ۲۹۹۲).

متکلمان شیعه امامی عصر سلجوقی برای مشخص ساختن موضع خود در برابر اسماعیلیه به اقداماتی دست زدند که عبارتند از:

الف: متمایز ساختن امامیه از اسماعیلیه: متکلمان شیعی با دقت و فراست زیاد می‌کوشیدند تفاوت شیعه امامی با قرامطه و باطنیه را برای مردم و زمامداران آشکار سازند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۳۴-۴۲۴). آنان هرگونه ارتباط شیعیان امامیه را با اسماعیلیه رد و

اسماعیلیه را لعن و نفرین می کردند (همان: ۲۶۸). همچنین به پاسخ‌گویی مدعیات آثاری همچون سیاست‌نامه، فضایح الباطنیه و الملل و النحل پرداختند (همان: ۲۶۹).

ب: بیزاری‌جستن از اسماعیلیان: یکی از مصداق‌های تاریخی همگرایی شیعه امامی با اهل سنت در دوره آل‌بویه، حضور متکلمان شیعی همچون شریف مرتضی در اعتقادنامه قادری است که متضمن ردیه‌ای بر نسب‌نامه فاطمیان بود (ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۸۲-۸۳). در دوره سلجوقی نیز شیعه امامیه به منظور بیزاری‌جستن از اسماعیلیه و همگرایی با اهل سنت، دست به تکفیر اسماعیلیه زدند. برای نمونه ابواسماعیل حمدانی، رئیس شیعیان قزوین اولین فتوا را برای کشتن ملاحظه داد (ابن بابویه رازی، ۱۳۶۶: ۱۲۲).

ج: ردیه‌نویسی: قدیمی‌ترین ردیه بر اسماعیلیه را فضل بن شاذان نیشابوری، متکلم شیعه نوشته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۰۶-۳۰۸). همچنین عبدالجلیل قزوینی از تلاش علمی خود در مواجهه با معتقدات اسماعیلیه یاد کرده است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۷۵) و یادآور شده کتاب‌هایی که شیعه امامیه در رد اسماعیلیه نوشته‌اند بی‌نهایت است و در بین فرق اسلامی، دشمن‌ترین نسبت به ملاحظه، شیعه اصولیه‌اند (همان: ۲۴۳).

د: برگزاری مناظرات: برگزاری مناظرات یکی از راه‌های تقابل علمی متکلمان شیعی با اسماعیلیان بود. مؤلف النقض از این مناظرات گزارش می‌دهد (همان: ۳۶). همچنین کتاب مناظرات جرت‌بینه و بین الملاحظه اثر خواجه اسماعیل حمدانی، مناظرات شیعه امامیه با اسماعیلیان را تأیید می‌کند (قزوینی رازی، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

نتیجه‌گیری

مقارن قدرت یابی سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۲ ه.ق) در ایران و عراق، مسائلی از جمله منازعات فرقه‌ای، ائتلاف نیروهای سیاسی مذهبی اهل سنت، عملکرد مغایر با تقریب مراکز آموزشی نظیر نظامیه‌ها و جموداندیشی حدیث‌گرایان به خصوص حنابله سبب گردید اهل تسنن گرایش کمتری به تقریب داشته باشند. در مقابل شیعیان به خصوص در مناطقی همچون بغداد و ری، که در مجاورت اهل تسنن و مراکز حکومتی و دینی آنان ساکن بودند، در زمینه تقریب موضع فعال‌تری داشتند زیرا بر اثر تجربه حوادث تلخ منازعات فرقه‌ای گذشته

و تضعیف پشتوانه سیاسی و حکومتی دریافتند حفظ کيان شیعه تنها با تقریب میسر است. از این رو به تقویت وجوه اشتراک شیعه و سنی با اتخاذ مشی اعتدالی همت گماشتند. با وجود این، مسائلی همچون تقابل مکتب متکلمان و محدثان، تندوری های اسماعیلیان و جریان غلو از ناحیه جوامع شیعی، بحث تقریب را به چالش می کشید.

اندیشه تقریب توسط دانشمندان واجد مؤلفه هایی همچون عقل گرایی، دوری از جمود فکری، آزاداندیشی و پرهیز از تعصب قومی و نژادی و ... میسر بود. متکلمان شیعی با دارا بودن چنین مؤلفه هایی، ضمن صیانت عقاید شیعی، هر جا زمینه تقریب و وحدت وجود داشت بدون هیچ پروایی به طرح موضوع می پرداختند. طرح مشترکات دینی، فقه مقارن، برگزاری کرسی مشترک شیعه و سنی و حضور در کرسی درس اساتید اهل تسنن، مناظرات منطقی و عالمانه، پاسخگویی به شبهات و رفع اتهامات علیه شیعه، آشکار ساختن تفاوت شیعه امامی با قرامطه و باطنیه و غالیان و در نهایت تلاش برای حفظ اعتدال در کار بست عقل و استناد به نصوص دینی از جمله راهکارهای متکلمان شیعی برای ایجاد تساهل مذهبی و کاهش خشونت مذهبی بود و همین عملکردها سبب گردید علی رغم بی مهری به شیعیان، رشد شیعه امامیه در این دوران تداوم یابد.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۵ ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارالصادر.
- ابن ادریس، محمد (۱۴۲۸ ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: جماعه المدرسین قم. موسسه النشر الاسلامی.
- ابن بابویه رازی، منتجب الدین علی (۱۳۶۶). *الفهرست*. تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن خلکان، احمد (۱۹۶۸ م). *وفیات الاعیان و ابناء الزمان*. تحقیق احسان عباس. بیروت: دارالتقافه.
- ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۶۹ ش). *مشاهیر القراء و مختلفه*. قم: نشر بیدار.

- _____ (۱۳۸۰ ق). *معالم العلماء*. نجف: بی‌نا.
- _____ (۱۳۷۹ ق). *مناقب آل ابیطالب*. قم: علامه.
- ابن طاووس، علی (بی‌تا). *الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف*. قم: خیام.
- _____ (۱۳۶۳ ش). *سعد السعود*. قم: منشورات الرضی.
- _____ (۱۳۶۳ ش). *کشف المحجبه لثمره المهجه*. نجف: المطبعه الحیدریه.
- ابن منظور، محمد (بی‌تا). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- ابن ابی‌علی، محمد (۱۳۵۰ ق). *طبقات الحنابلہ*. تصحیح احمد عبید. دمشق: المکتبه العربیه.
- ابن عماد حنبلی، عبدالحی (۱۳۵۰). *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*. بی‌جا: مکتبه القدسی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۷). *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*. تحقیق محمد مصطفی عبدالقادر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- _____ (۱۴۲۶). *تلیس ابلیس*. بیروت: دارالفکر.
- ابن قاضی، ابوبکر (۱۳۸۹)؛ *طبقات الشافعیه*. ترجمه فاطمه مدرسی. تهران: احسان.
- ابن‌کنیر، أبو‌الفداء، (۱۴۰۷ ق). *البدایه و النهایه*. بیروت: دارالفکر.
- احمدی، علی اصغر، «گذری بر زمینه‌های تقریب در اندیشه شیخ طوسی»، اندیشه تقریب، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۰۱-۱۱۴.
- آصف‌خان قزوینی، قاضی احمد (۱۳۸۲). *تاریخ الفی*، مصحح غلامرضا طباطبایی. تهران: علمی و فرهنگی.
- آل‌محبوبه، جعفر الشیخ باقر (۱۹۸۶ م). *ماضی النجف و حاضرها*. مصحح محمد سعید آل‌محبوبه. بیروت: دارالاضواء.

- امین، احمد (۱۹۹۹). *ضحی الاسلام*. بیروت: دارالکتب العربی.
- الأمين، محسن، (۱۹۸۳ م). *أعیان الشیعه*. تحقیق حسن الأمين. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۰۷). *تاریخ بغداد أو مدینه السلام*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۸۹). *سیر تطور کلام شیعه*. تهران: نشر پژوهشگاه.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸). *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع صفویه*. تهران: نشر علم.
- جواد، مصطفی (۱۹۴۵). *دورالعلم العراقیه فی العصور العباسیه*. بغداد: عالم الغد.
- جهانبخش، جويا (۱۳۸۹). *سه گفتار در غلوپژوهی*. تهران: اساطیر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۲). *نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر.
- حسنی رازی، سید مرتضی (۱۳۶۴). *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام*، تهران: اساطیر.
- حسینی، صدرالدین (۱۳۸۰). *زبدہ التواریخ*، ترجمه رمضان علی عبدالهی، تهران: نشر شاهسون.
- حمصی رازی، سدیدالدین (۱۴۱۲). *المنقذ من التقليد*، قم: النشر الإسلامی.
- خزا علی، محمد (۱۳۶۲). *اسلام و حقوق تطبیقی*. تهران: امیرکبیر.
- ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۴). *تاریخ الاسلام و طبقات المشاهیر والاعلام*. عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹). *الخرائج والجرائج*. قم: مدرسه امام مهدی (ع).

- راوندی، محمد بن سلیمان (۱۳۸۶). *راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق*. تهران: اساطیر.
- زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۸۵ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالهدایه.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود (۱۴۱۷). *الفائق فی غریب الحدیث*. مصحح ابراهیم شمس‌الدین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سجادی، سیدضیاء‌الدین (۱۳۷۶). *مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف*. تهران: سمت.
- الشریف المرتضی (۱۴۰۵). *رسایل الشریف المرتضی*. قم: دارالقرآن الکریم.
- شفایی، امان‌الله، «پیشگامان تقریب ابن شهر آشوب عالم تقریبی قرن ششم»، اندیشه تقریب، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۵-۹۶.
- شهرستانی، محمد (بی‌تا). *نهایة الاقدام فی العلم الکلام*، بی‌جا: مکتبه الثقافه الدینیّه.
- صدر، سیدرضا (۱۳۶۲). *مقام فقهی شیخ طوسی*، تهران: امیرکبیر.
- صدوق، ابوجعفر محمد (۱۳۸۵). *من لا یحضره الفقیه*. مترجم محمدجواد غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۶). *أمالی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: کتابچی.
- طبرسی، ابوعلی فضل (۱۳۷۹ ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیّه.
- طبرسی، احمد (۱۴۰۳). *الاحتجاج*. مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۷ ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. مصحح سید محمدتقی کشفی. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- _____ (۱۴۲۲). *الخلاص*. بی‌جا: النشر الاسلامی.
- _____ (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه احمد امیری، مشهد: آستان قدس رضوی.

- _____ (۱۳۸۲). *تلخیص الشافی*. تحقیق سیدحسین بحر العلوم. قم: محبین.
- _____ (۱۴۱۷). *عدة الاصول*، تحقیق محمدرضا انصاری. قم: بی نا.
- طوسی، نظام الملک (۱۴۲۸). *سیاست نامه*، تعریب یوسف بکار، بیروت: دار المناهل.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸). *التفض*. تصحیح سید جلال الدین محدث ارموی. تهران: انجمن آثار ملی.
- العزازی، قیس جواد (۱۹۹۹). *النجف کما وصفها بعض المستشرقین الفرنسیین*، ندوه النجف الأشرف لإسهامات فی الحضاره الانسانی . بی جا: بی نا.
- قلقشندی، احمد (بی تا). *صبح الاعشی فی صناعه الانشاء*. مصر: وزارت الثقافه و الارشاد القومی.
- قمی، ابوالرجاء (۱۳۶۳). *تاریخ الوزراء*، تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۶۳). *سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار*. تهران: فرهانی و سنایی.
- کسائی، نورالله (۱۳۶۳). *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*. تهران: بی نا.
- کیانی فرد، مریم (۱۳۹۳). *کلام شیعه کلام معتزله*. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *تاریخ فقه و فقها*. تهران: سمت.
- محقق حلی، جعفر (۱۳۶۴). *المعتبر فی شرح المختصر*. قم: مؤسسه سیدالشهداء.
- مدرس طباطبایی، سیدحسین (۱۳۶۲). *زمین در فقه اسلامی*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- مدرس، محمدعلی (بی تا). *ریحانه الادب*. تهران: نشر شفق.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*. تحقیق عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مظفر، محمدحسین (بی تا). *تاریخ الشیعه*. قم: مکتبه بصیرتی.
- مفید، محمد (۱۳۶۳). *تصحیح الاعتقاد*. قم: الشریف الرضی.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد (۱۳۶۲): *احسن التقاسیم فی معرفه الاقوالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: علمی.
- ملکی میانجی، محمدباقر (بی تا). *تفسیر مناہج البیان*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (بی تا). *نسائم الاسحار من لطائم الاخبار*. تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی. تهران: دانشگاه تهران.
- موسوی، سیدمرتضی، «مدارس نظامیه؛ نخستین مراکز آموزش عالی در اسلام»، *مصباح*، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۷۳ ش، صص ۸۳-۱۰۲.
- موسویان، سید محمدرضا (۱۳۸۰). *اندیشه سیاسی شیخ طوسی*. قم: بوستان کتاب.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). *رجال النجاشی*. قم: النشر الاسلامی.
- نعمانی، شبلی (۱۳۲۸). *تاریخ علم کلام*. سید محمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: رنگین.
- یاقوت حموی (۱۴۰۸). *معجم البلدان*. بیروت: للطباعة و النشر.
- Kafesoglu, Ibrahim (1988). *A History of Seljuks: Ibrahim Kafesoglus Interpretation and the Resulting Controversy*, tra, Gary leiser, Carbondale: Southern in University Press.
- Koblberg, Etan (1991). *Be Life and Law in Imami Shiism*, Grent: Britain Variorum.